

خمینی محشر کرده است

(بازخوانی رخدادهای دوم فروردین تا ۱۲ خرداد سال ۱۳۴۲)

□ دکتر محمدجواد مرادی‌نیا

تنور مبارزه روحانیت با حکومت که از نیمه‌های سال ۱۳۴۱ آغاز شده بود در فاصله دوم فروردین تا سوم خرداد که ماه محرم الحرام از راه می‌رسید همچنان روشن ماند و در آستانه این ماه، رهبری قیام، شعله‌های آتش مبارزه را فروزان‌تر کرد. قم در تمام طول ماههای فروردین و اردیبهشت به کانون پر حرارت و گرمی بدل شده بود که گویی قصد سرد شدن و سکوت نداشت. هر روز دسته‌ها و گروههایی از اقشار مختلف مردم از نقاط مختلف کشور راهی قم شده به دیدار مراجع و خصوصاً آیت‌الله خمینی شتافته، دستورها و رهنمودها را مستقیماً دریافت می‌کردند و به دیار خود برمی‌گشتند و بدین سان پیام انقلاب در گستره ایران به تدریج پراکنده می‌شد.

خبر حضور این دسته‌ها در قم در گزارشهای ساواک نیز بازتاب می‌یافت که به تعدادی از آنها در زیر اشاره می‌شود. ساواک قم در اول خرداد ۱۳۴۲ به مرکز گزارش داد که عده‌ای از روحانیون همدان در روز سوم خرداد به قم خواهند آمد. (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیاب ۴۱۵۰۴۵) شهربانی قم نیز در تاریخ ۴۲/۲/۲۱ (عید غدیر) گزارش از حضور عده زیادی از زوار و اهالی قم در بیت آقایان مراجع داده بود. رئیس ساواک قم روز ششم خرداد گزارش داد «روز



جمعه ۴۲/۳/۳ که مصادف با شب اول ماه محرم بود عده‌ای در حدود یکصد نفر از اهالی و کسبه شهرستان خمین جهت ملاقات آیت‌الله خمینی به قم آمده و ضمن تماس با مشارالیه پشتیبانی خود و قاطبه اهالی خمین را از علما و مراجع قم به خصوص آیت‌الله خمینی اعلام داشته‌اند». (همان، ش بازیاب ۶۶) همچنین طبق گزارش ساواک عده‌ای از بازاری‌های تهران در تاریخ ۴۲/۳/۹ در قم با آیت‌الله خمینی ملاقات کردند. در روز ۴۲/۳/۱۲ نیز حدود سه هزار نفر از قراء جمکران و سراج و تهران به منزل وی رفتند. (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۳۳۲) در چنین اوضاع و احوالی دور جدید فعالیت‌های آیت‌الله خمینی آغاز شد. این اقدامات را می‌توان در سه بخش تقسیم کرد.

توجیه طلاب و اعزام آنها به شهرستانها و خارج از کشور

آیت‌الله خمینی در آخرین روز درس خود قبل از فرا رسیدن ماه محرم طی سخنانی بار دیگر موارد خلاف دستگاه حکومتی را برای شاگردان خود بر شمرد و آنان را که عازم شهرها و روستاها برای تبلیغ بودند با وظایفشان آشنا ساخت. آیت‌الله سید حسن طاهری خرم‌آبادی که آن روز در شمار شاگردان درس آیت‌الله خمینی حضور داشت می‌گوید: «امام فرمود از سازمان امنیت در مورد حادثه فیضیه می‌پرسیم که چه کسی این حادثه را به وجود آورد، تقصیر را گردن شهربانی می‌اندازد، به شهربانی مراجعه می‌شود، تقصیر را به گردن امنیت می‌اندازد، بعد هر دوی آنها می‌گویند دستور اعلیٰ حضرت است. بعد با تندی فرمود ما چه کنیم با این اعلیحضرت. ما چه کنیم با این آقای اعلیحضرت که همه مسائل به او منتهی می‌شود. امام به قدری ناراحت بود که در بیان این کلمات با دست خود بر منبر می‌کوبید. بعد طلبه‌ها را به استقامت و پایداری ترغیب کردند و گفتند که ما ساکت نمی‌نشینیم». (خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، ص ۱۹۹)

رئیس ساواک قم نیز خبر مزبور را بدین صورت برای ساواک تهران منعکس کرد:

«اظهارات خمینی

به موجب گزارش مأمور ویژه این ساواک، خمینی در مجلس درس خود (روز ۴۲/۲/۲۵)

اظهار داشته امسال روحانیون سال خوشی نداشتند زیرا کماندوها روحانیون را مجروح کرده و

عده‌ای را هم کشتند، خانه‌های آنها را خراب کردند و آنان را دربدر نمودند. در این مورد از رئیس شهربانی قم سؤال کردیم که آیا این چه عملی بود، گفت تقصیر از من نبوده از رئیس سازمان امنیت سؤال کنید ایشان این عمل را کردند. از سازمان امنیت می‌پرسیم، می‌گوید شهربانی کرده، هر دو را روبرو می‌کنیم می‌گویند این عمل به امر شاه و به دستور دولت صورت گرفته است. ما گفته‌ایم اگر دولت این کار را کرده پس چرا شاه به ما نمی‌گوید تا ما تکلیف او را روشن کنیم و اگر دولت مقصر نیست، شاه تقصیر دارد باز هم به ما بگوید تا ما بدانیم این چه ظلمهایی است که نسبت به روحانیون انجام می‌دهند و بالاخره [اگر] هیچ یک از اینها مقصر نیستند به ما بگویند تا ما دستور دهیم رئیس سازمان امنیت و رئیس شهربانی قم را در عرض یک ساعت نابود کنند... شماها راجع به شهر قم منظوره‌ای خاصی دارید ولی مطمئن باشید که این آرزو را باید به گور ببرید.

تا ماها در قم هستیم نخواهیم گذاشت شما در این کار موفق شوید. چقدر من به وسیله آقای بهبودی و پاکروان به شاه پیغام فرستادم که این کارها فایده نداشته و عاقبت خوبی در بر نخواهد داشت. بالاخره خونها جاری کردید، دیدید آخر کار به کجاها کشید. پس بنابراین همانطوری که شما دست بردار نیستید ماها هم دست بردار نیستیم. دیدید سازمان امنیت کثیف و خبیث چه کارها صورت داد؟ رئیس شهربانی قم چه اعمالی را مرتکب شد؟ آیا با این وصف خیال می‌کنید ما دست بردار هستیم؟ خیر، تا روزگارشان را سیاه نکنیم ساکت نخواهیم نشست. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم، بدیعی» (قیام ۱۵ خرداد به روایت استاد ساواک، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۳)

آیت‌الله خمینی علاوه بر این، در روز ۴۲/۲/۲۶ جلسه‌ای در منزل خود با حضور نمایندگان علمای شهرستانها و عده‌ای از وعاظ تشکیل داد و برنامه ماه محرم روحانیون را مشخص کرد. وی در آن جلسه اظهار داشت که روحانیون و وعاظ در ماه محرم به هیچ وجه از مأمورین انتظامی نباید هراس داشته باشند زیرا دولت قادر نیست که برای عزاداری شیعیان محدودیتهایی فراهم کند و ما تصمیم داریم که اگر در ماه محرم کوچکترین اهانت به جامعه روحانیت فراهم آورند حکم تکفیر آقای علم نخست وزیر را از طرف خود من و آقایان میلانی و گلپایگانی و حکیم و خوبی از نجف



□ قم در آستانه محرم علاوه بر آن که خود در تب و تاب مبارزه می‌سوخت، به کانون صدور و انتشار این مبارزه گرم و جدی نیز بدل شده و تلاش می‌کرد تا شعله‌های آتش خشم و غضب علیه اقدامات ضد اسلامی دولت را به سایر شهرها هم برساند

و احیاناً شریعتمداری صادر نمائیم... و در مرحله دوم اگر در ماه محرم نسبت به وعاظ و طبقه روحانیت عملی از طرف دولت نشان داده شد بلافاصله اعلامیه‌ای منتشر می‌سازیم که...» (همان، صص ۲۸۱-۲۸۲)

همچنین رئیس ساواک قم، در تاریخ ۲۷ اردیبهشت به رئیس ساواک تهران اطلاع داد که «از تاریخ ۴۲/۲/۲۵ جلسه درس طلاب تعطیل شده است و اشخاصی که باید به خارج از قم مسافرت نمایند خود را مهیای عزیمت می‌نمایند. آقایان خمینی و شریعتمداری به طلابی که ایام مذکور به خارج می‌روند دستور داده‌اند که در منابر ترس نداشته باشید و بگویید دولت و شاه بی‌دین هستند و قرآن را می‌خواهند از بین ببرند. همه مردم، حتی ارتشی‌ها مستعد قیام هستند. از زندان نترسید. به مردم بگویید منتظر دستور علما باشند که دیگر تقیه نکنند و بر علیه دولت که قصد دارد فحشا را ترویج کند و بهایی‌ها را تقویت کند قیام کند. هر چقدر بیشتر شما را آزار کنند مظلومیت شما بیشتر جلوه خواهد کرد. وضع مدرسه فیضیه را بگویید». رئیس ساواک قم در پایان پیشنهاد کرد «با این ترتیب یا بایستی قبل از رسیدن محرم و صفر تصمیم قطعی درباره خمینی و شریعتمداری گرفته شود یا این که اصولاً منابر آزاد باشد و هر حرفی زده شد از طرف مأمورین اقدامی به عمل نیاید. زیرا دستگیری وعاظ به طور قطع موجب جنجال جدیدی خواهد شد که ضرر آن در مقابل اقدامی که انجام می‌شود قابل مقایسه نیست و بهره‌برداری تبلیغاتی شدیدی از آن خواهند کرد». (همان، صص ۲۱۹-۲۱۸)

ساواک قم در تاریخ ۴۲/۲/۲۹ خبر داد که ۳۵ نفر طلبه از طرف آیت‌الله خمینی و عده‌ای از طرف آیت‌الله شریعتمداری مأموریت یافته که به شهرستانهای ایران برای سخنرانی علیه دولت و پخش عکس خمینی عزیمت نمایند. (همان، ص ۲۲۸)

آیت‌الله خمینی همچنین برخی شاگردان نزدیک خود را که برای کسب دستور مراجعه می‌کردند توجیه نموده، قوت قلب داده و راهی شهر یا دیاری نمود. ایشان در موردی به آقایان صادق خلخالی، ناصر مکارم و جعفر سبحانی گفت: «اگر یک موقع از منبر شما جلوگیری شد برای من پیغام بدهید تا من به مردم دستوراتی خواهم داد که چه باید بکنند» (همان، ص ۲۲۰)

حجت الاسلام فضل الله محلاتی نیز می‌گوید قبل از محرم امام مرا خواستند و فرمودند بروید و عاظ تهران و سران هیأتها را جمع کنید تا در محرم امسال بتوانیم حداکثر بهره‌برداری را بکنیم. دستورالعملی هم در این زمینه به من دادند. (حاطرات و مبارزات شهید محلاتی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۴۸)

علاوه بر این آیت‌الله خمینی تصمیم به اعزام تعدادی واعظ به کشورهای همسایه گرفت تا مسلمانان و خصوصاً شیعیان آن مناطق نیز در جریان مبارزات مردم ایران علیه حکومت قرار گیرند. مأمور ویژه ساواک که آن روزها در قم فعالیت فوق‌العاده‌ای داشت، ساواک را از این تصمیم آگاه کرده و اسامی روحانیون اعزامی را نیز به اطلاع مقامات آن سازمان رساند. اداره دوم ساواک هم مأموریت یافت که به طریق مقتضی از فعالیت مضره آنها جلوگیری نماید». (یاران امام به روایت اسناد ساواک، سید محمدرضا سعیدی، ص ۱)

بدین سان قم در آستانه محرم علاوه بر آن که خود در تب و تاب مبارزه می‌سوخت، به کانون صدور و انتشار این مبارزه گرم و جدی نیز بدل شده و تلاش می‌کرد تا شعله‌های آتش خشم و غضب علیه اقدامات ضد اسلامی دولت را به سایر شهرها هم برساند.

صدور اعلامیه آیت‌الله خمینی

در این میان آیت‌الله خمینی برای آن که اصول و اهداف مبارزه خود را هر چه روشن‌تر و شفاف‌تر به آگاهی همگان برساند، اقدام به انتشار پیامی مکتوب نمود. وی در پیام خود که در



□ آیت‌الله خمینی در آخرین روز درس خود قبل از فرا رسیدن ماه محرم طی سخنانی بار دیگر موارد خلاف دستگاه حکومتی را برای شاگردان خود بر شمرد و آنان را که عازم شهرها و روستاها برای تبلیغ بودند با وظایفشان آشنا ساخت

تاریخ ۴۲/۲/۲۸ برابر ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۸۲ ق منتشر شد نکاتی چند را خطاب به مبلغین، خطباء، عموم هیأتها و عزاداران سیدالشهدا یادآور گردید. اول این که گرفتن التزام و تعهد از مبلغین و سران هیأت‌های عزادار، مبنی بر این که از مظالم دستگاه جبار دم نزنند بلااثر است و ارزش قانونی ندارد. دوم این که مبلغین و سران دسته‌های عزادار از سید مظلومان فداکاری در راه احیای شریعت را فرا گیرند و از توهم چند روز حبس و زجر نترسند. سوم آن که خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهند. آیت‌الله خمینی در این پیام، سکوت را به منزله کمک به دشمنان اسلام و عاقبت آن را سخط‌خدای تعالی دانسته و تأکید کرده بود از اخافه و ارباب سازمانها و دستگاه‌های شهری هراسی به خود راه ندهید. (صحیفه امام، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۳۰)

اعلامیه مزبور که به سرعت در قم و سایر نقاط ایران پخش شد از طرفی در میان مردم شور و شعفی خاص را دامن زد و از طرف دیگر رعب و وحشت را در دل مقامات حکومتی افزون کرد. در گزارشی از ساواک به تاریخ ۴۲/۲/۲۶ آمده است: «درباره اعلامیه‌های آقای خمینی تقریباً همه کسانی که از اوضاع سیاسی خبری ندارند بحث و گفتگو می‌نمایند و اعضای جبهه ملی از انتشار این اعلامیه‌ها خیلی خوشحالند. فصیحیان بازرس تعلیماتی وزارت فرهنگ که تمایلات جبهه‌ای دارد می‌گفت خمینی محشر کرده، اثر هر یک از اعلامیه‌های او مساوی است با یک سال فعالیت جبهه ملی... او اضافه نمود که اعلامیه‌های آقای خمینی خیلی از مردم را تحریک و عصبانی نموده است». (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۲۳)

رئیس شهربانی قم نیز در تاریخ ۴۲/۳/۱ گزارش داد «عصر امروز مقدار کمی از اعلامیه مزبور در قم منتشر، مضمون آن بدین شرح (حرفهای خود را بزنید. اگر نزنید در پیشگاه خدا مقصرید. التزامی که از شما گرفته‌اند قانونی نیست؛ بلکه التزام گیرندگان قابل تعقیبند... از نیروی شهربانی نترسید) اعلامیه کتباً ارسال شده و طبق دستور مراقبت لازم به عمل خواهد آمد. سرهنگ پرتو». (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی ۶۴۱، ص ۷۳)

نامه نگاری به سایر علما و دعوت به همراهی

آیت‌الله خمینی در این ایام به جنبه مهم دیگری از مبارزه توجه داشت و آن دعوت از سایر علما و روحانیون برجسته برای همراهی در قیام بود. سخنرانی و اعلامیه‌ها مردم عادی و حداکثر طلاب و شاگردان وی را مخاطب قرار می‌داد و به طور طبیعی علمای بزرگ از دایره شمول آن خارج می‌ماندند. آیت‌الله که بر سازمان روحانیت، سلسله مراتب آن و روحیات حاکم بر سطوح مختلف جامعه روحانیت وقوف داشت، برای بالا بردن ضریب موفقیت مبارزه، همیشه طبقات بالای این صنف را مورد توجه قرار می‌داد و از آنان نیز استمداد می‌جست هر چند پاسخ‌هایی که می‌رسید همه یکسان و مثبت نبود، اما این رویه هیچ گاه از سوی وی ترک نشد.

در آستانه محرم، نامه‌هایی از آیت‌الله به دست آقایان میلانی در مشهد، سید احمد خوانساری و محمدتقی فلسفی در تهران رسید. نامه‌های آقایان میلانی و فلسفی بیشتر جنبه قدردانی از همراهی و مشارکت آنان در نهضت را داشت. (صحیفه امام، ج ۱، صص ۲۳۴ - ۲۳۳ و ۲۴۲) ولی نامه‌ای که خطاب به آقای خوانساری نوشته شد لحن گلایه‌آمیز و دردمندانه داشت. آیت‌الله خمینی در این نامه نوشته بود: «شما که در مرکز هستی‌خانه‌نشین شده‌اید، اصلاً نه حرفی، نه اعلامیه‌ای، هیچ کار نمی‌کنید... چرا علمای تهران در مقابل این گرگهای درنده سکوت اختیار کرده‌اند؟ چرا در مقابل این لامذهبها که می‌خواهند دینمان را از دستمان بگیرند سکوت کرده‌اید؟ چرا در مقابل شاه مملکت که می‌خواهد روحانیت را از میان بردارد قیام نمی‌کنید؟ چرا در مقابل حکام سکوت می‌کنید؟... از امروز به بعد سکوت فایده ندارد. امروز دیگر روز سکوت نیست. امروز روزی است که باید در



مقابل لامذهبهها قیام کرد. اگر دلتان می‌خواهد مملکت اسلامی ما و دین و آیین ما از بین برود به من بگویید...» (همان، صص ۲۳۸-۲۳۹)

تمهیدات ساواک

در چنین اوضاع و احوالی که آیت‌الله خمینی همه را به جوش و خروش در آورده بود دولت از طریق دستگاه امنیتی و انتظامی دست اندرکار اقداماتی برای مقابله با این حرکت و جوشش بود. سرلشگر پاکروان، رئیس ساواک در تاریخ ۴۲/۲/۲۸ طی تلگراف رمز شماره ۲۵۰۷ از ساواک قم خواست که در شهر و روستاها مراقبت کامل اعمال نموده و عنداللزوم عناصر محرک را که شناخته شده‌اند دستگیر نمایند. ولی همچنین دستور داد از پخش هرگونه اعلامیه و عکس [آیت‌الله] خمینی جداً جلوگیری شود و نتیجه اقدامات معموله را هر روز گزارش دهند. (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۲۶)

علاوه بر این ساواک برای اطمینان خاطر بیشتر و نیز خنثی کردن اقدامات آیت‌الله خمینی طرحی را تصویب و جهت اجرا به ادارات ساواک شهرستان ابلاغ نمود. براساس این طرح مقرر گردید: «۱- احضار روحانیون طراز اول به حضور هیأت رئیسه ساواک به منظور تفهیم موقعیت کشور و بر حذر داشتن آنان از هرگونه تحریک در مجالس عزاداری (صورت افرادی که باید احضار شوند وسیله رئیس دفتر روابط عمومی ساواک تهیه و تقدیم خواهد شد) ۲- احضار کارگردانان و بانیان مجالس روضه خوانی و دستجات سوگواری تهران وسیله ساواک تهران و پلیس تهران دایر به تذکرات لازم در مورد جلوگیری از هرگونه تحریک و حفظ نظم کامل در کلیه مراسم. ۳- تأمین مأمورین انتظامی لازم (احتیاط آماده) ... ۴- تعیین تعداد تکایا بر حسب درجه بندی آنها به درجه ۱ و ۲ و ۳ از نقطه نظر میزان تندروی و مخالفت احتمالی آنان ۵- تعیین تعداد خانه‌ها و منازلی که مستقلاً مراسم عزاداری انجام می‌دهند ۶- تقسیم مجالس روضه خوانی به منظور گماردن مأمورین نفوذی برای کسب اخبار به موقع ۷- تشکیل یک کمیسیون دائمی با حضور نمایندگان ساواک و شهربانی و ژاندارمری در تمام ایام عزاداری به منظور بررسی اطلاعات

واصله و اتخاذ تصمیمات مشترک در مورد پیش آمدهای ناگهانی...» (همان، صص ۲۳۴-۲۳۳)

اداره کل سوم ساواک هم در تاریخ ۴۲/۲/۳۰ طرح تبلیغاتی نسبتاً مفصلی برای ساواک قم ارسال نمود. در مقدمه این طرح ضمن اشاره به سابقه مخالفت روحانیون با دولت طی دو سال گذشته، محورهای مخالفت آنان یادآوری شده و دستورات زیر ابلاغ گردید:

«برای خنثی کردن تحریکات احتمالی مزبور این طرح در دو قسمت تهیه شده است.

قسمت اول - مطالبی که باید در منابع عنوان شود:

کلیه ساواکها در مناطق استحقاظی خود به طور غیر محسوس و به نحو مقتضی به روحانیونی که با ساواک همکاری دارند و در صورت امکان به سایر روحانیون توصیه خواهند کرد که در منابر و مجالس سوگواری ضمن بحث و سخنرانی در موضوعهای مختلف مذهبی در باره مطالب زیر نیز صحبت نمایند.

۱ - تجلیل از مذهب شیعه اثنی عشری که اعلیحضرت همایون شاهنشاه حامی و پشتیبان آن هستند و از این جهت انظار شیعیان جهان متوجه معظم له و کشور ایران می باشد.

۲ - درباره وقف قسمتی از املاک سلطنتی و تشکیل بنیاد پهلوی و همچنین تقسیم قسمت دیگری از آن املاک و اهدای مابقی صحبت و گفته شود که این اقدام شاهنشاه چه اثر عظیمی در بهبود وضع کشاورزی و سایر مردم زحمتکش و تقویت مبادی تبلیغات اسلامی داشته است.

۳ - چون از طرف مخالفین به منظور مشوش ساختن افکار مسلمین تبلیغاتی پیرامون روابط دولت با اسرائیل و نفوذ صهیونیسم در ایران می شود وعاظ می بایست ضمن مباحث مذهبی به این نکته اشاره کنند که دولت مسلمان ایران همواره منافع و مصالح دولتهای اسلامی را در مدنظر دارد و هیچ گاه منافع یک کشور غیراسلامی را بر منافع آنان ترجیح نخواهد داد.

۴ - موضوع اعلام آزادی زنان و تأمین حقوق سیاسی آنان نه تنها مغایرتی با قوانین اسلام ندارد بلکه دستورات و آیات و احادیث تأیید [نامفهوم] بوده و دولت هیچ گاه عملی را که مغایر با احکام مذهب شیعه اثنی عشر باشد انجام نخواهد داد...



۵- لزومی ندارد که مستقیماً درباره تطبیق لایحه اصلاحات ارضی با شرع اسلام صحبتی بشود...

قسمت دوم - طرح اجرایی:

۱ - عده‌ای از روحانیون که با ساواک همکاری دارند به طور غیر محسوس در مساجد، تکایا و سایر مجالس مذهبی سرگرم تبلیغ شوند. قبلاً به وسیله رابطین با این دسته از روحانیون ملاقات و زمینه افکار آنان برای تبلیغات مثبت و مورد نظر دولت آماده گردد.

۲ - با مدیران مساجد و بانیان مجالس سوگواری تماس گرفته و از آنان خواسته شود که به وعاظ و روضه خوانهای خود توصیه نمایند فقط در اطراف مطالب دینی صحبت و از اهانت به مقامات و تحریک مردم خودداری کنند.

۳ - به طریق مقتضی اقداماتی صورت گیرد که از سخنرانی وعاظ ناراحت و آشوبگر جلوگیری شود.

۴ - بهتر است هیاتهای عزاداری مراسم سینه زنی و نوحه گری و غیره را مانند سال گذشته ولی حتی الامکان با سادگی برگزار نمایند تا بهانه‌ای برای عیب‌جویی و تبلیغات منفی به دست مخالفین مذهب و دین داده نشود. ضمناً قبل از محرم به سر دسته‌ها تذکرات لازم داده شود که مراقب حفظ مقررات و نظم دسته خود باشند.

۵ - اگر واعظ یا روضه‌خوان و مداحی بالای منبر مطلب اهانت آمیزی درباره مقامات عالیه کشور عنوان کرد و یا در هنگام سخنرانی مردم را تحریک نمود، در حین سخنرانی و در همان مجلس به او چیزی گفته نشود. بلکه پس از دور شدن از آن مجلس به طوری که تظاهر نشود به او تذکر بدهند و در صورتی که به تذکرات مأمورین ترتیب اثر ندهد با او طبق قانون رفتار گردد.

۶ - در اجرای موارد فوق رؤسای ساواک بایستی قبلاً وضع و موقعیت محل را در کمیسیونی مرکب از رؤسای انتظامی و یا مقامات دیگری که لازم می‌دانند مورد بررسی قرار داده و برای حفظ آرامش پیش‌بینی‌های لازمه معمول و نتیجه بررسی‌ها و تصمیمات متخذه را به مرکز گزارش

نمایند. مدیر کل اداره سوم. امجدی». (همان، صص ۲۳۹-۲۳۵)

کمیته امنیت و اطلاعات شهرستان قم نیز در روز ششم خرداد تشکیل جلسه داد و تصمیماتی برای جلوگیری از وقایع و حوادث ضد امنیتی اتخاذ کرد. صورت مجلس کمیته مزبور به شرح زیر انتشار یافت.

«صورت مجلس کمیته امنیت و اطلاعات شهرستان قم ساعت ۱۰ صبح دوشنبه ۴۲/۳/۶ با حضور و شرکت امضاء کنندگان زیر در فرمانداری تشکیل و با توجه به نامه شماره ۴۲/۲/۲۹-۵/۶۲۳ اداره شهربانی قم و لزوم موقع، از لحاظ ماه محرم و ایام سوگواری مخصوصاً در روز تاسوعا و عاشورا پس از مذاکره و مشاوره و تبادل نظرهای لازم تصمیمات زیرین را به منظور پیش‌بینی برای حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از بروز وقایع و حوادث خلاف انتظامات و امنیت اتخاذ نمود:

۱- اداره شهربانی از کلیه صاحبان تکایا و بر پا کنندگان مجالس تعزیه و سوگواری تعهد و التزام خواهد گرفت که بر پا کردن مراسم تعزیه را وسیله اجرای مقاصد مضره و اغراض شخصی قرار ندهند و جز ذکر مصیبت و تعزیه و وعظ و مطالب دینی مطلب دیگری در آنجا گفته نشود و واعظ و روضه خوان و یا ذاکرین مصیبت تکیه یا مجلس انتخاب و دعوت شده، منظور و هدفی جز آنچه فوقاً ذکر شده نداشته باشد و در محیط تکیه و مجلس هیچگونه بی‌نظمی و اعمال خلاف امنیت و مصلحت بروز و ظهور نکنند و هر عملی بر خلاف تعهد و التزام پیش‌آید مسئول صاحب مجلس و تکیه است.

۲- به کلیه واعظ و روضه خوان‌ها تذکر داده و گوشزد شود که در منابر و مجالس و تعزیه و روضه و وعظ و مسائل دینی بپردازند و از بیان و گفتار مطالب مضره و تحریک‌آمیز و خلاف مصلحت و خارج از حدود صلاحیت اهل منبر اجتناب نمایند و الاً مسئول عواقب آن خواهند بود.

۳- از طرف اداره شهربانی متصدیان و مسئولین دسته‌های عزاداری جمع‌آوری شوند که ترتیبی بین خودشان بدهند و ساعات حرکت و مسیر دستجات را تعیین نمایند که از برخورد بین دسته‌ها و ایجاد بی‌نظمی اجتناب شود و تعیین ساعات مسیر حرکت دسته‌جات طوری باشد که نظم به همه جهت رعایت و بر خورد و خلاف انتظاماتی پیش نیاید و از بین خود دسته‌جات هم افرادی برای رعایت ترتیب و نظم حرکت و مسیر انتخاب و گمارده شوند.





۴ - با توجه به ورود عده‌ها و دسته‌های کثیر و جمعیت انبوه از دیگر نقاط به قم در تاسوعا و عاشورا و غلیان احساسات اداری و مذهبی در این دو روزه و تحریکاتی که قبلاً در قم شده و اوضاع و احوال موجوده به منظور اجتناب از اصطکاک و برخورد انفرادی، قوای انتظامی تفرقه نداشته باشد؛ یعنی افراد پلیس تک تک و منفرد نباشند و طبق برنامه که آقای رئیس شهربانی بنا به مقتضیات موقع تنظیم و اجراء خواهند نمود، قوای پلیس در شهربانی و هر نقطه مناسب دیگر متمرکز خواهد بود که هر موقع برای حفظ انتظامات و جلوگیری از وقایع و حوادث نامطلوب در موارد بخصوص لازم باشد به تعداد کافی اعزام و انجام وظیفه نماید.

۵ - هنگ ژاندارمری مجهز و مهیا خواهد بود برای همکاری و تشریک مساعی با شهربانی در دو روز تاسوعا و عاشورا که در مورد لزوم از طرف شهربانی به ژاندارمری اعلام و تقاضا می‌شود.

۶ - از طرف شهربانی و ژاندارمری به مقامات مرکزی پیشنهاد لازم برای اعزام قوای تقویتی به میزان کافی برای آن دو روز بشود که قبل از تاسوعا و عاشورا برسد. سرکار فرمانده هنگ

ژاندارمری اظهار داشتند هنگ قم عده موجودی به منظور بالا ندارد و بایستی از مرکز خواسته شود و چنانچه ژاندارم از مرکز نفرستند، طبعاً بایستی قوای نظامی اعزام دارند. در این خصوص مذاکره و مشورت به عمل آمد و اتخاذ عقیده شد بر اینکه هرگاه از طرف ژاندارمری مرکز امکان تقویت ژاندارمری قم نباشد، در حدود دو گروهان سرباز اعزام گردد یا دستور کافی برای همکاری کامل با شهربانی و ژاندارمری به جهت مقابله با حوادث غیر مترقبه و جلوگیری از وقایع و حوادث مخالف نظم و امنیت [صادر شود] منتهی ورود قوای نظامی لزوم به تظاهر نداشته و پس از ورود در ژاندارمری یا محل مناسب ابتدای شهر متمرکز می‌شوند و ایاب و ذهاب در شهر نخواهند داشت. فقط من باب احتیاط و پیش‌بینی، وجودشان در دو روزه تاسوعا و عاشورا لازم است.

۷- با توجه به اوضاع و احوال تاسوعا و عاشورای قم و کیفیات موجوده چنین صلاح است که هر آینه از ناحیه طلاب و روضه خوانها و وعاظ یا اشخاص دیگر در آن دو روز مطالب غیر مجاز یا اظهارات نامناسبی شنیده شود و بر آن اظهارات اثر و نتایج آتی مترتب نگردد تعقیب موضوع و شخص گوینده به بعد از عاشورا موکول گردد.

فرماندار قم - علی فروغی

رئیس شهربانی - سرهنگ پرتو

رئیس ساواک - سرهنگ بدیعی

فرمانده هنگ ژاندارمری - سرهنگ یآوری».

(قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، صص ۳۱۰-۳۰۸)

علاوه بر این کمیسیون دیگری در همان روز در فرمانداری قم با حضور رؤسای شهربانی، ساواک، فرهنگ، اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی و فرمانده هنگ ژاندارمری قم با موضوع مراقبت در برگزاری ایام عزاداری تشکیل شد که صورتجلسه آن به شرح زیر برای بخشداری کهک، حومه، شهربانی، فرهنگ، سازمان اصلاحات ارضی و کشاورزی و فرماندهی هنگ ژاندارمری برای اقدام و اعلام نتیجه ارسال شد.

«بنا به دعوت تلفنی فرمانداری ساعت ۱۱ صبح روز ۴۲/۳/۶ کمیسیونی با حضور و شرکت



امضاء کنندگان زیر در فرمانداری تشکیل و تلگراف شماره ۲۶۲۶-۴۲/۳/۲ وزارت کشور و سازمان امنیت و اطلاعات کشور قرائت و مطرح، و پس از شور و تبادل نظر در اجرای منظور، تصمیمات زیرین اتخاذ گردید:

۱- از طرف هنگ ژاندارمری به تمام واحدها و پاسگاه‌های تابعه دستور داده شود که با دقت کامل مراقب باشند اگر از ناحیه وعاظ یا روضه خوانها با هر کس دیگر بنام روضه و عزاداری تبلیغات سوء و گمراه کننده و ضد اصلاحات ارضی با بیان مطالب علیه سیاست و مصلحت ابراز شود بی درنگ از گفتار و عمل گوینده جلوگیری و مراتب را به گروهان یا هنگ متبوعه گزارش نمایند که مورد تعقیب قرار گیرد و نیز از طرف پاسگاهها به کدخدایان دهات حوزه تابعه پاسگاهها تذکر داده شود که مراقبت کامل داشته باشند اگر به چنین اشخاصی بر خورد نمایند فی الفور به پاسگاه اطلاع دهند.

۲- از طرف اداره فرهنگ به کلیه مدیران مدارس و افراد سپاه دانش در دهات دستور داده شود که مراقب باشند اگر به نام عزاداری و روضه خوانی تبلیغات گمراه کننده و مخالف در مورد اصلاحات ارضی و هرگونه اقدامات اصلاحی که طبق منویات مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه شروع شده بشود ضمن اطلاع به پاسگاه ژاندارمری و اداره فرهنگ به نحو مقتضی مردم را متوجه و ارشاد نمایند که دچار فریب و اغفال این قبیل عناصر مخرب نشوند.

۳- از طرف فرمانداری به بخشدارهای تابعه دستور داده می‌شود که مراقبت تام و تمام داشته و در این ایام مخصوصاً در ایام تاسوعا و عاشورا سرکشی‌های مرتب به دهات نموده در صورت مشاهده وجود عناصر اخلاص‌گر و مخرب و تبلیغات گمراه کننده به پاسگاه ژاندارمری معرفی و مردم دهات را از مقاصد سوء این قبیل اشخاص آگاه و ارشاد نمایند و به کدخدایان دستور لازم بدهند که اهالی ده خود را متوجه سازند که از قبول این قبیل اشخاص خودداری نمایند و نتیجه اقدامات خود را به فرمانداری اعلام دارند.

۴- آقای رئیس کشاورزی و اصلاحات ارضی در این ایام مخصوصاً دو روزه تاسوعا و عاشورا به دهات عزیمت، یا مأمورین عالیرتبه و بصیر خود را به دهات اعزام می‌دارند که مراقب



وضع دهات و دهقانان بوده در صورت مشاهده و اطلاع، به عناصر گمراه کننده و کسانی که بنام روضه و عزاداری تبلیغات سوء و کذب بر ضد اصلاحات ارضی و دیگر اصلاحات مملکتی می‌نمایند دهقانان را متوجه سازند که دچار اغفال و فریب نشده و این قبیل عناصر را بخود راه نداده، متوجه غرض و سوء نیت آنان باشد.

رئیس شهربانی - پرتو فرماندار قم - علی فروغی

رئیس سازمان امنیت و اطلاعات

فرمانده هنگ ژاندارمری قم

رئیس فرهنگ شهرستان قم

رئیس اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی قم». (همان، صص ۳۱۴-۳۱۲)

نظر به حساسیت موضوع و مقطع زمانی، امور مربوطه به روحانیون کلاً به عهده ساواک گذاشته شد و سرلشگر پاکروان، رئیس ساواک در تاریخ اول خرداد ۱۳۴۲ طی تلگراف رمز به ساواک قم دستور داد «... امور مربوط به روحانیون و رسیدگی به وضع آنان با ساواک می‌باشد. علیهذا در ایام عزاداری محرم و صفر چنانچه رؤسای ساواک لازم دیدند افرادی از طبقه روحانیون توقیف کردند قبلاً بایستی مراتب را تلگرافی گزارش و با ذکر علت از شخص اینجانب کسب دستور شود». (تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، سند ش ۳/۱۱۶)

در همین ایام ساواک همدان سیصد برگ اعلامیه که به نام برخی صنوف همدان و به پشتیبانی از شاه و انزجار از مخالفین چاپ کرده بود برای ساواک قم ارسال نمود تا در قم پخش شود که رئیس ساواک قم دستور داد «فعلاً در ایام محرم مصلحت نیست پخش شود، چنانچه موقع مناسب بود پخش خواهد شد». (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، پیشین، ص ۲۲۸)

در چنین شرایطی ماه محرم آغاز شد و طرفین مبارزه با تمام توان پای به میدان کارزار

گذاشتند.



□ آیت‌الله خمینی در این ایام به جنبه مهم دیگری از مبارزه توجه داشت و آن دعوت از سایر علما و روحانیون برجسته برای همراهی در قیام بود... هر چند پاسخ‌هایی که می‌رسید همه یکسان و مثبت نبود، اما این رویه هیچ‌گاه از سوی ایشان ترک نشد

عزاداری‌های قم

قم در دهه اول محرم یکپارچه عزادار شده و در تمام مساجد، تکایا و منازل مراجع، مراسم سوگواری برقرار گردید. ساواک قم خبر برگزاری مجلس منزل آیت‌الله خمینی در روز اول محرم را چنین گزارش داد: «ریاست ساواک تهران - از ساعت ۷ صبح روز جاری مجلس ختم در منزل خمینی برقرار و ساعت ۹/۰۵ خمینی در جلسه شرکت نمود. فعلاً قرآن قرائت می‌شود. جمعیت در حدود ۳۰۰۰ نفر - حیاط، اتاقها و کوچه مجاور منزل مملو از جمعیت است. ۴۲/۳/۳». (همان، ص ۲۸۰)

آیت‌الله خمینی برای قوت قلب دادن به اهالی قم و نیز احترام به احساسات مذهبی آنان، در محافل و مجالس سوگواری آنان شرکت می‌جست و ارتباط خود با مردم را استحکام بیشتری می‌بخشید.

به گفته حجت الاسلام عبدالمجید معادیخواه، این مسأله شاید برای کسانی که حالا آن را می‌شنوند خیلی جدی نباشد ولی اگر کسی در آن فضا قرار می‌گرفت آن وقت متوجه می‌شد که کار چقدر حساب شده بوده است. دهها محله در قم وجود داشت که از مناطق پر جمعیت و تعیین کننده به شمار می‌رفتند. به طور مثال چهل اختران محلی بود که سادات اصیل قم در آن سکونت داشتند و روز عاشورا یکی از عظیم‌ترین هیأتها از آن جا حرکت می‌کرد. از طرفی برای کسانی که نهضت را قبول داشتند و اهداف آن را پذیرفته بودند حضرت امام عملاً به عنوان رهبر و چهره اصلی تلقی می‌شد. به همین دلیل وقتی ایشان وارد هیأتی می‌شد به واسطه استقبالها و مقدماتی که

برای ورود ایشان فراهم می‌شد جو خاصی به وجود می‌آمد و آن احساسات و عواطف - آن هم در فضا و حال و هوای محرم و عاشورا - نیروی عظیمی را تدارک می‌دید.

معادینخواه یکی از مواردی را که خود شاهد بوده چنین توصیف می‌کند: «یکی از این موارد، مساجد جمعه بود. یکی از شبها که امام به مسجد جمعه تشریف آورد، از خیابان آذر جمعیت برای استقبال و دیدن ایشان موج می‌زد. در میدان کهنه و آن حوالی که کوچه‌ها باریکتر می‌شد جمعیت متراکم‌تر بود و مردم روی پشت بامها رفته بودند. به این ترتیب خیل استقبال کنندگان و مشتاقان با شور و هیجان خاصی ایشان را وارد مسجد جمعه کردند. جمعیت از نظر کمیت بسیار قابل ملاحظه بود، اما از لحاظ کیفیت به راحتی قابل ارزیابی نبود و نمی‌شود توضیح داد که مردم با چه روحیه‌ای در صحنه بودند». (خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، صص ۲۶۹-۲۷۲)

حسین پور فرخی هم خاطره خود را از شبهای محرم قم چنین به یاد می‌آورد: «رژیم اول محرم گفت امسال به دسته‌جات مأمور نمی‌دهیم که مردم مثل قدیم بزنند توی سر و کله هم و کسی نظم را برقرار نکند.

... امام از اول محرم تمام محله‌های قم را یکی یکی رفت، از جمله محله ما که توی لب چال بود، خیابان آذر، لب چال، امام تشریف آوردند. اذان مغرب بود. من رفتم دستشان را بوسیدم. بعد رفتند نشستند روبرو، اولین صحبتی که کردند به من گفتند منبر نروم. گفتم من منبر نمی‌خواهم بروم. بغل منبر ایستادم. بعد به من گفتند من منبر نمی‌خواهم بروم، فقط غرض از مزاحمت، خواهش این است که شما مردم شریف قم و عزاداران حسینی، مخصوصاً محله لب چال روز عاشورا با نظم و ترتیب خاص عزاداری کنید [که رژیم نگوید مردم قم بی‌فرهنگ هستند و نمی‌توانند نظم را رعایت کنند]». (خاطرات حسین پور فرخی، آرشیو گروه تاریخ، صص ۷-۴)

نصرالله خاکی نیز از آن شبها خاطراتی دارد: «شب عاشورا امام در عزاداری مردم کوچه حکیم شرکت کردند. [شب دوازدهم محرم درست است]. امام به دیوار مسجد تکیه داده و ما هم روبروی ایشان نشسته بودیم. مجلس که تمام شد، امام سوار ماشین شده، رفتند. من هم به اتفاق چند تن از دوستان با دوچرخه به دنبال ماشین ایشان تا خانه‌شان رفتیم. یادم می‌آید عده‌ای از



شهرستانها آمده و درخواست ملاقات با امام را داشتند. وقت گذشته بود و امام هم خسته بودند، اما آنها التماس می کردند که ما فقط می خواهیم ایشان را زیارت کنیم که بالاخره امام اجازه دادند و آنها وارد منزل شدند». (خاطرات نصرالله خاکی، آرشیو گروه تاریخ، ص ۲۵)

حاج حسین کشور هم می گوید: «شب نهم، [شب دوازدهم درست است] عزاداری در کوچه حکیم بود. امام آن شب به کوچه حکیم آمدند ما زیر پای ایشان در میدان، گاو سر بریدیم. شب دوازدهم محرم نوبت به تکیه ما رسید. باز هم زیر پای ایشان گاوی قربانی کردیم. آن شب، امام تا دیر وقت در تکیه ما بودند. آن جا صحبت کردند و پس از این که مراسم تمام شد، مردم ایشان را به خانه شان بردند». (خاطرات ۱۵ خرداد، دفتر پنجم، ص ۱۹۴)

سید عباس بنی رضی اوضاع قم در آن ایام را چنین توصیف می کند: «من آن موقع در بازار قم شاگرد بودم. وقتی که محرم شد بازاری ها پرچم مشکی زده و روی آن عکس امام را چسبانده بودند. دستجات عزاداری هم که حرکت می کردند روی پرچمهایشان عکس امام را زده بودند. منزل علما روضه خوانی بود و دسته جاتی هم از شهرستانها به قم می آمدند و به منزل علماء خصوصاً امام می رفتند. یکی از دسته ها که از تهران آمده بود و به منزل آقای شریعتمداری و سپس آیت الله خمینی رفتند نوحه شان این بود:

ما جوانان پیرو آن مکتب آزاده ایم

جان به کف بنهاده ایم در راه دین

موقع جانبازی و کوشیدن است...

منبری ها هم منبرهای داغی می رفتند و مردم نیز دل و جرات پیدا کرده بودند. جو داغی به

وجود آمده بود...» (خاطرات سید عباس بنی رضی، آرشیو گروه تاریخ، صص ۸۹)

حجت الاسلام فضل الله محلاتی نیز از آن روزها خاطره ای نقل کرده است: «صبح روز هشتم

محرم بود که من به قم رفتم. امام در منزل روبروی منزلشان بودند. صبحانه را در خدمت ایشان بادم و بعد گزارش تهران را خدمتشان ارائه دادم.

یادم هست که امام در خانه شان روضه داشتند، یک دسته از قمی ها بودند و صدای شعار و

نوحه‌شان می‌آمد، از آن نوحه‌های قدیمی که مادر نداشته‌ی ای حسین، کفن نداشته‌ی ای حسین و... امام فرمودند این هم شد نوحه؟ که امام حسین (ع) با این همه فدکاری‌ها کفن نداشته، نان و آب نداشته و نمی‌دانم از این حرفها. ناراحت شدند و فرمودند که امروز روز هشتم روضه است. منبری‌ها آمدند اینجا منبر رفتند ولی چیزی نگفتند. بعد فرمودند شما امروز برو منبر و شروع کن. من هم می‌آیم. من منبر را به حول و قوه الهی آنجا شروع کردم و خیلی شدید حملات رژیم به مدرسه فیضیه و تجاوزاتشان را بر شمردم. جمعیت هم خیلی زیاد بود». (خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، ص ۴۹)

حسین اعلائی نیز که آن هنگام کودک ۶-۷ ساله بیش نبود خاطره‌ای از محرم و عزاداری کودکان و نوجوانان قم در حافظه خود ثبت کرده است: «امام همیشه دهه محرم و صفر روضه می‌گرفتند و در منزلشان چادر می‌زدند. از جمله کسانی که یادم است آن موقع در منزل امام روضه می‌خواندند آقای کوثری بود. ما می‌رفتیم پای منبر، تو حیاط می‌نشستیم. چیزهایی که یادم است این که امام می‌آمدند تو درگاه منزل می‌نشستند، مردم از آن پایین می‌رفتند دستشان را می‌بوسیدند. ما هم چون کوچک بودیم، دستان نمی‌رسید می‌رفتیم بالا توی اتاق و دست امام را می‌بوسیدیم. مردم توی حیاط می‌نشستند و روضه گوش می‌کردند. تمام آن کوچه و باغ نزدیک خانه پر می‌شد از جمعیت.

در ایام محرم در قم رسم بر این بود که بچه کوچولوها و بچه مدرسه‌ای‌ها خودشان دسته در می‌آوردند. روال آن هم این طور بود که اینها عزاداری می‌کردند و در هر خانه‌ای باز بود می‌رفتند توی آن خانه، بدون آن که اجازه بگیرند. صاحب آن خانه باید برای تکیه‌ای که اینها زده بودند کمک می‌کرد، یا پول می‌داد یا قند یا چایی و... ما یک روز دسته درست کرده بودیم با این بچه‌های محله می‌رفتیم. همان طوری که عزاداری می‌کردیم یک دفعه در خانه‌ای باز بود ما هم رفتیم داخل. دیدیم امام دارد وضو می‌گیرد. ساکت شدیم. بعد جلو رفتیم و دست آقا را بوسیدیم. آقا دو تومان انداخت تو سپر و کلاهخود ما که مال تعزیه خوانها بود. این بیشترین پولی بود که در آن موقع دیده بودم که کسی برای عزاداری بدهد. این برخورد خیلی جالب بود و اثر زیادی روی



ما گذاشت». (خاطرات حسین اعلایی، آرشیو گروه تاریخ، ص ۶)

شعارها و نوحه‌های محرم آن سال نیز بر خلاف سالهای پیش حال و هوای دیگری پیدا کرده و متناسب با اوضاع رنگ سیاسی و انقلابی به خود گرفته بود. نمونه‌ای از آن نوحه‌ها از این قرار بود.

قم گشته کربلا - هر روزش عاشورا - فیضیه قتلگاه

شد موسم یاری مولانا خمینی

بقیه الله آجرک الله

دانشگاه، فیضیه، چون دشت ماریه - طلاب دینیه

هر یک فتاده بر زمین از بالای بام

بقیه الله - آجرک الله

خمینی خمینی - فرزند حسینی - تو حامی دینی

جان را به کف نهاده‌ای در راه قرآن

بقیه الله - آجرک الله

گفت عزیز فاطمه - نیست مرگ واهمه

تا به تنم توان بود - زیر ستم نمی‌روم

اکبر من فدای دین - اصغر من فدای دین

تا به تنم توان بود - زیر ستم نمی‌روم

بقای من فناء دین - فناء من بقای دین (خاطرات حجت الاسلام اکبر محنتی، ج ۱، ص ۲۷۰)

عاشورا

هر چه روزهای محرم به عاشورا نزدیک‌تر می‌شد هول و هراس دستگاه حکومتی از وقوع

حوادث نامطلوب در قم بیشتر می‌شد و ساواک به عنوان مهم‌ترین بازوی امنیتی حکومت همزمان

دو نقش را ایفا می‌کرد: یکی کسب اطلاعات دقیق از نقل و انتقالات و تحولات قم و دیگری

پیشگیری از بروز حوادثی که تهدید کننده منافع رژیم بود. البته ساواک وظیفه دیگری بر عهده داشت و آن برخورد با عوامل و مسببان ناآرامی های قم بود.

یکی از ابزارهایی که ساواک در این راستا قصد بهره برداری از آن را داشت بیت آیت الله شریعتمداری و شخص وی بود، چرا که آیت الله شریعتمداری نشان داده بود که مواضعش همچون آیت الله خمینی آنچنان سرسختانه نیست و در صورت لزوم آمادگی کوتاه آمدن، عقب نشینی و حتی نوعی همکاری را نیز دارد. از این رو سرلشگر پاکروان رئیس ساواک تصمیم گرفت قبل از عاشورا به قم سفر کرده و با آیت الله شریعتمداری دیدار کند. اما آیت الله شریعتمداری به دلایلی که یکی از نزدیکانش به رئیس ساواک قم اعلام داشت، صلاح را در این دانست که این ملاقات به بعد از تاسوعا و عاشورا موکول شود. متن گزارش ساواک از این قرار است:

«شیخ غلامرضا زنجانی از طرف شریعتمداری اظهار می دارد:

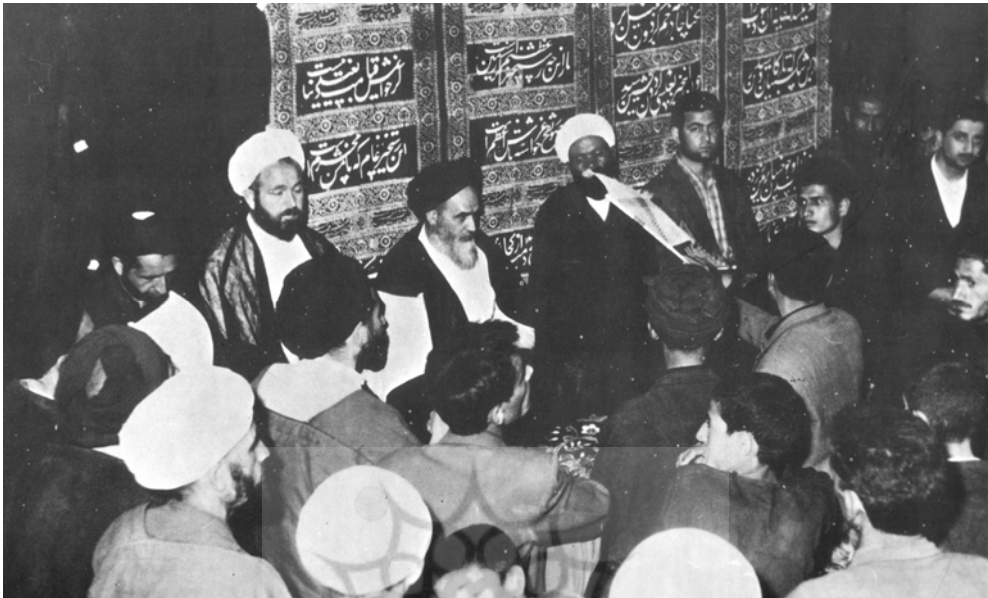
۱ - تشریف فرمایی تیمسار به قم به بعد از تاسوعا و عاشورا موکول شود تا زمینه مناسب فراهم و گزارش شود زیرا فعلاً خمینی خود را قوی می داند و باید وضعیتی به وجود آید که خود را تنها احساس کند. در صورت تمایل و ضرورت فعلاً یک نفر دیگر اعزام شود که با سه نفر آقایان شریعتمداری، گلپایگانی و خمینی ملاقات و اوامر تیمسار را ابلاغ نماید.

۲ - شریعتمداری آقایان حاج آقا باقر قمی و شهیدی و حاج سیدعلی اصغر و لواسانی را به قم دعوت و به آنها گفته است ما با اعلیحضرت همایونی اختلافی نداریم فقط با دولت اختلافی داریم که ممکن است حل شود و شما نیز این مطلب را در مجالس بگویید و تقاضا نموده که گفتار آنها را ساواک مرکز کنترل نماید که آیا مأموریت را انجام می دهند یا خیر.

۳ - خمینی روز گذشته اعلامیه محدودی چاپ و منتشر کرده و به وعاظ اعلام کرده که مطالب خود را بگویید و نترسید و اگر سکوت کنید دشمنی با اسلام کرده اید ولی شریعتمداری اعلامیه نداده است فقط اظهار کرده در صورت لزوم و اجبار ممکن است در ایام تاسوعا و عاشورا مطالبی بر علیه روزنامه کیهان بگوید. ۴۲/۳/۱۰ - بدیعی»

(قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۳۹۸)





اقدام دیگر ساواک نفوذ دادن مأمور ویژه به بیت آیت‌الله خمینی و ملاقات با وی برای کسب اطلاع از برنامه‌های او بود. در گزارش ساواک، ماجرا چنین روایت شده است:

«۴۲/۳/۱۱، شهریاری مأمور ساواک فارس و ابومسلم مأمور نفوذی نهضت آزادی ایران که به منظور ملاقات با آیت‌الله خمینی صبح امروز به قم عزیمت نموده بودند در ساعت ۱۲/۳۰ پس از ختم مجلس روضه خوانی در منزل خمینی، در اندرون خانه به ملاقات آیت‌الله خمینی رفته، ابتدا شهریاری ابومسلم را به نام پیک مطنن هوایی فرودگاه مهرآباد معرفی و علاوه می‌نماید که حضرت آیت‌الله از این پس می‌توانند وسیله ایشان ارتباط سریع و مطمئن با علمای حوزه علمیه نجف اشرف و کربلا و سایر کشورهای اسلامی داشته باشند. آیت‌الله خمینی دستور می‌دهد پیشکارش به نام ورامینی اسم و آدرس کار و شماره تلفن و نشانی منزل ابومسلم را یادداشت نماید [...] آنگاه دو مأمور مزبور از خمینی می‌پرسند که دستور جدیدی برای ایام تاسوعا و عاشورا صادر

می‌فرمایند. آیت‌الله خمینی می‌گوید جز همین اعلامیه که داده است و وعاظ را ملزم به گفتار و انتقاد از دستگاها نموده فعلاً دستور دیگری نیست. مأمور ساواک فارس علاوه می‌نماید که در شیراز قصد شدت عمل و احتمالاً تخریب در بین است و وسایلی برای این کار از طریق نهضت [آزادی] دریافت داشته‌اند. صلاح، آیت‌الله چیست؟ خمینی می‌گوید فعلاً صلاح نیست و من حاضر نیستم در این ایام پیشامدهای ناگواری بکنم که منجر به ریختن خون مسلمین گردد [...]]. (همان، ص ۳۳۹)

ساواک با مشاهده شرایط ویژه قم و احساس خطر از پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی هرگونه درگیری در روزهای تاسوعا و عاشورا دستورالعملی در روز هشتم محرم به شرح زیر برای ساواک قم ارسال نمود:

«گیرنده: ساواک قم تاریخ: ۴۲/۳/۱۱

فرستنده: تیمسار ریاست شماره: ۲۹۰۶

موضوع: تلگراف رمز

دستور فرمائید در روزهای تاسوعا و عاشورا ضمن آمادگی کامل برای مقابله با هرگونه حوادث احتمالی حتی المقدور در این دو روزه از اصطکاک مأمورین با عزاداران و وعاظ و روحانیون خودداری گردد [و اگر] در مجالس و منابر افرادی مبادرت به تند روی نمودند در خارج از مجلس بوسیله مقامات شدیداً به آنها تذکر و عواقب وخیم به آنان یادآوری گردد. ضمناً اسامی و مشخصات این قبیل عناصر تهیه که پس از برگزاری ایام عزاداری تصمیم لازم درباره آنان اتخاذ شود نظر به اینکه عده‌ای عناصر آشوب طلب برای رسیدن به مقاصد خود مترصد به دست آوردن بهانه در روزهای تاسوعا و عاشورا می‌باشند روی این اصل اقدام سازمانهای انتظامی و امنیتی در روزهای مزبور باید کاملاً بررسی شده و با دقت و تدبیر انجام گیرد که بهانه به دست عناصر مترصد جهت بهره‌برداری ندهد از طرف شهربانی کل نیز آموزش لازم در این مورد به شهربانی‌ها داده شده است.

سرلشگر پاکروان». (همان، ص ۳۴۲)



□ آیت‌الله خمینی برای قوت قلب دادن به اهالی قم و نیز احترام به احساسات مذهبی آنان، در محافل و مجالس سوگواری آنان شرکت می‌جست و ارتباط خود با مردم را استحکام بیشتری می‌بخشید

ساواک قم در تاریخ ۱۱ خرداد به اطلاع ریاست ساواک رساند که «به گزارش مأمور ویژه، عصر روز عاشورا آیت‌الله خمینی به مدرسه فیضیه قم می‌رود و برای اهالی و طلاب و زوار سخنرانی خواهد نمود». (همان، ص ۳۴۸)

گزارش زیر نیز صبح روز تاسوعا برای رئیس ساواک ارسال شد:

«۱ - دستجات عزاداری در روز جاری تاسوعا طبق برنامه مشغول عزاداری هستند عده‌ای از دهات جمکران و سراجه در حدود دو هزار نفر نیز برای عزاداری به قم آمده بودند آرامش برقرار است.

۲ - حسابی به شماره ۱۰ در بانک صادرات قم برای خمینی باز شده که اهالی وجوه را به حساب مزبور می‌ریزند و به همین مناسبت امروز بانک صادرات تعطیل نیست.

۳ - در حدود پانصد نفر از افراد جبهه ملی تهران به قم آمده و در منزل خمینی هستند.

بدیعی - ۴۲/۳/۱۲». (همان، ص ۳۵۲)

سرلشگر پاکروان در پاسخ دستور داد «فردا نیز باید آرامش کامل برقرار شود و از هرگونه

اصطکاک جلوگیری نمایید». (تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، سند ۳/۱۲۹)

در همین روز ساواک قم همچنین گزارش داد «فردا آیت‌الله شریعتمداری به مدرسه فیضیه

نخواهد رفت و در منزل سخنرانی خواهد کرد. آقای ابهری که آقای مولوی با ایشان آشنایی دارند

اظهار نظر می‌کنند که اگر بعد از ظهر عاشورا درب مدرسه فیضیه قفل شود و چند نفری از

مأمورین انتظامی در داخل و پشت بام باشند و از ورود اشخاص جلوگیری کنند تصور می‌رود که خمینی از رفتن به مدرسه فیضیه منصرف شود. وی اظهار عقیده می‌کرد که چنانچه لازم شود چند تیر هوایی هم شلیک شود موضوع به کلی منتفی خواهد شد. اینجانب شخصاً احتمال می‌دهم ممکن است با این ترتیب اصطکاک حاصل شود و یا حداقل خمینی صحن مطهر حضرت معصومه یا مثلاً مسجد اعظم را در صورت عدم موفقیت برای سخنرانی در نظر بگیرد. چون آقای ابهری تقاضا داشت که این مطلب به عرض تیمسار برسد گزارش شد و اظهار عقیده می‌کرد اگر خمینی به مدرسه فیضیه برود جنجال به پا خواهد کرد. چنانچه اوامری باشد ابلاغ فرمایند.

۲ - در ساعت ۲۳/۳۰ شیخ مهاجرانی در مسجد حسین آباد خطاب به جمعیت اظهار داشت مردم دست از جان خود بشوید. فردا در تهران و قم کارها یکسره خواهد شد. بدیعی - ۴۲/۳/۱۳».

(همان، سند شماره ۳/۱۲۸)

ساواک قم که جریانات را شدیداً تحت نظر داشت، اخبار این شهر را ساعت به ساعت به مرکز مخابره کرده، مقامات کشور را در جریان اوضاع قم قرار می‌داد.

مأمور ویژه ساواک که از نخستین ساعات روز عاشورا در بیت آیت‌الله خمینی حضور یافته بود اخبار آن‌جا را به شرح زیر به اطلاع رئیس ساواک قم رساند.

«ریاست محترم ساواک قم

محترماً اینجانب ساعت ۶/۵ صبح روز ۴۲/۳/۱۲ بنا به دستور آن ریاست محترم در محل مأموریت حاضر و جریان از این قرار است ابتدا شخصی به نام آقای طباطبائی منبر رفت، پس از خواندن خطبه شروع کرد نسبت به دستگاه جبار و ظلم و ستمهای آنها در این مدت نسبت به علماء و روحانیون و بی‌احترامی‌هایی که به قرآن مجید نمودند بیاناتی ایراد کرد و با لحن زننده و با جرات تمام تنفر علماء را نسبت به دستگاه دولت که کلمه هیأت حاکمه و جبار را ادا می‌کرد جمعیت انبوهی که بیش از هزارها نفر بود تحریک نموده و از مردم خواست که حامی علماء و قرآن و دین باشند و نگذارند هیأت حاکمه به آنها مسلط شود. پس از آن شخصی به نام آقای

□ آیت‌الله خمینی تصمیم به اعزام تعدادی واعظ به کشورهای همسایه گرفت تا مسلمانان و خصوصاً شیعیان آن مناطق نیز در جریان مبارزات مردم ایران علیه حکومت قرار گیرند

اهوازی به منبر رفت و رشته سخن را به دست گرفت و ایشان هم با سخنان تحریک‌آمیز و اهانت‌های ناروانسبت به دولت و هیأت حاکمه و جباره سخن گفت. در این موقع آیت‌الله خمینی در مجلس وارد شد و ایشان ابتدا به آیت‌الله تسلیت گفتند و پس از آن واقعه مدرسه فیضیه را به میان آورده و نثار روح شهداء مدرسه فیضیه صلوات ختم شد. ایشان مقدمتاً صحبت‌های خود را که ساعت ۵ بعد از ظهر در مدرسه فیضیه قرار است ایراد کند چنین بیان داشتند: نظر علماء بر این است که قانون، قانون قرآن و دستور، دستورات قرآن است اگر بر خلاف این باشد حکومت غیرقانونی و باید از بین برود. مملکت اسلام و شیعه جعفری باید قوانین آن هم روی اصول دین و دیانت باشد چرا علماء که حرفهای خود را می‌زنند زندانشان می‌فرستند چرا آنها را تحویل دستگاه قضائی نمی‌دهند. چرا بر خلاف مرام پیغمبر رفتار می‌کنند چرا سربازان امام زمان را کشتند؟ من با صدای رسا می‌گویم ای مردم برای حفظ دین برای حفظ ناموس برای حفظ قرآن قیام کنید. نگذارید آیت‌الله خمینی مانند امام حسین یکه و تنها باشد. نگذارید دستگاه جبار بر شما مسلط شود و حقوق شما را پایمال نمایند. اگر عاشورا در کربلا نبودید الان در قم هستید، امروز با آن روز فرقی ندارد. شاید امروز پر اهمیت‌تر باشد پشتیبانی خود را اعلام دارید و دوشادوش علماء بروید تا در آخرت رو سفید باشید. سپس آقای الیاسی رشته سخن خود را در دست گرفت. البته باید بعرض برسانم قبل از ایشان چند بیت شعر بوسیله یکی از مستمعین خوانده شد، مضمون آن درباره شهدای مدرسه فیضیه و بی‌دینی هیأت حاکمه و خواب دیدن شاه امام زمان را به طور مسخره که

شخص شاه ادعا می کند که من صاحب الزمان را دیدم و نظر کرده می باشم او نظر کرده است ولی سربازان امام زمان باید کشته بشوند. پس از آن آقای الیاسی رشته سخن را به دست گرفت. ایشان درباره اصل متمم قانون اساسی سخن و مردم را به قانون آشنا ساخت و گفت اصل متمم قانون اساسی گفته شاه و دولت نباید بر خلاف دین اسلام و دستورات قرآن رفتار کند هیأت حاکمه نمی تواند بر خلاف حکومت مردم بر مردم رفتار کند نمی تواند بر خلاف دموکراسی عمل نماید اگر می خواهد بر خلاف رفتار کند چرا اسم آن را دموکراسی و حکومت مردم بر مردم گذاشته است. دولت نمی تواند ملت را به سوی بدبختی و نیستی سوق دهد. آقای آیت الله خمینی اعلام کرده اند تا آخرین قطره خون خود مبارزه می کند. از مشهد آقای میلانی و آیت الله خوئی اظهار داشته اند تا آخرین قطره خون خود در برقراری دین و حفظ قرآن استقامت خواهند نمود. پس از آن عقاید مردم را نسبت به علماء و رویه آنها خواست و گفت آیا شما طرفدار علماء هستید؟ سیل جمعیت فریاد زدند: چرا؟ آیا شما پشتیبان قرآن نیستید؟ فریاد مثبت بلند شد و اظهار می داشتند ما هر کدام از هزاران نفر افراد دیگر و کیل هستیم آیا شما ظلم و ستمهای هیأت حاکمه را غیرقانونی نمی دانید؟ فریادهای چرا بلند می شد و گویا به صورت نوار ضبط گردید. این مجلس در ساعت ۱۱ پایان یافت و قرار است ساعت ۵ بعد از ظهر آقای خمینی در مدرسه فیضیه حاضر و نطقی ایراد نماید.

جهت اطلاع به عرض رسید. محمد بختیاری».

(قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، صص ۳۸۵-۳۸۴)

همچنین در ساعت ۱۰/۱۰ دقیقه صبح گزارش داده شد که وضع قم عادی است و مقدار وسایلی که در جریان مدرسه فیضیه خراب و شکسته شده بود و تاکنون چندین بار جمع آوری شده بود مجدداً در مدرسه پخش شده است. (همان، ص ۳۶۳)

در ساعت سه بعد از ظهر نیز یک گردان سرباز در خیابانهای اطراف حرم حضرت معصومه گردش کرده و سپس در شهربانی مستقر شدند. ساواک اطلاع داد که قم تا این ساعت آرام بوده است.



منابع و مأخذ:

1. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی
2. مرادی نیا، محمد جواد، خمین در انقلاب، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷
3. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، جلد ۲
4. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم آبادی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، جلد ۱
5. خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶
6. سعیدی، سید محمد رضا، یاران امام به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷
7. امام خمینی، صحیفه امام (دوره بیست و دو جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، پاییز ۱۳۸۵
8. منصوری، جواد، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، جلد دوم
9. خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر پنجم)، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶
10. خاطرات حسین پور فرخی، آرشیو گروه تاریخ (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
11. خاطرات نصرالله خاکی، آرشیو گروه تاریخ (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
12. خاطرات سید عباس بنی رضی، آرشیو گروه تاریخ (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
13. خاطرات حسین اعلائی، آرشیو گروه تاریخ (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
14. خاطرات حجت الاسلام اکبر محتشمی پور، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، جلد ۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی